



تواضع زیباترین صفت روح انسان

مقدمه: در شماره گذشته از سلسله درسهای معلم اخلاق حضرت آیت... مشکینی نکاتی پیرامون سخاوت، ایثار، معنای تبعیضات در اسلام و... از نظر شما عزیزان گذشت، در این شماره نظر شما را به بحث پیرامون تواضع جلب می‌نمایم.

یکی از زیباییهای انسان و صفات فاضله روح بشر و بهترین اخلاق انسانی صفت تواضع است. تواضع در برابر الله، خضوع در مقابل خلق و مؤمنان زیباترین صفات روح شما و کمال روان شماست. واژه تواضع بین دو نفر است (بین الاثنین) است گویا دو حریف بجان هم افتاده و هریک میخواهد طرف مقابل خود را بر زمین بنهد. از وضع مشتق است تواضع (بین الاثنین) است و شاید هم بدین مناسبت است که انسان متواضع گویا پیوسته خودش و عقالش با هوای نفسش در نبرد است و به هر حال تواضع حال و کمال انسانی است. و کمال جمیل روانی است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»

خدای بزرگ در زمان نزول قرآن به زبان مبارک پیامبر بر مؤمنان چنین میفرماید مؤمنان اگر چنانچه

است) رام و متواضع در مقابل مؤمنین. خدا به آنها میفرماید: در عصر های آینده مؤمنینی را خواهم آفرید که این صفت را داشته باشند در برابر مؤمنین متواضع در برابر طغیان گران کفار و دشمنان دین و هدف، متکبر «اذلة على المؤمنین و اعزة على الكافرین اعزه» در مقابل مؤمنین خاضعند در مقابل برادران دینی خاضعند مقام شان هرچه بالاتر برود تواضعشان بیشتر می شود. این تواضع عبادت است چنانچه گفتیم در جلسات قبل، آن تکبر هم نیز عبادت است پس خدا به آنها میگوید:

آی مؤمنین عصر نزول قرآن اگر شما متواضع نباشید ما یک عده را خواهیم آورد که متواضع خواهند بود. میخواهم به برادران و خواهران بشارت بدهم که این آیه چه کسانی را میخواهد بیان کند. مردی ایستاد و از رسول گرامی پرسید یا رسول الله این ملتی که در آینده خواهد آمد و آنها رابطه الهیشان (حب) است، رابطه آنها با مؤمنین تواضع است و رابطه شان با کفار تکبر و طغیان است آنان چه کسانی هستند تا بروم کشفای آنها را جفت کنم (این جمله را بنده میگویم آنها چه کسانی هستند که چنین سعادت را دارند) سلمان فارسی حاضر در جلسه بود حضرت دست بر دوش سلمان گذاشت فرمود، هذا

*** فلاح، رستگاری،
تعالی، خلیفه الله شدن، در بهشت
عدن رفتن و انسان کامل شدن به
این است که انسان مطالعه نفس
خود کند و آنرا پاکیزه نماید «قد
افلح من زکیها»**

ذروه» این آدم و یاران و هم میهنان این، آنان که در آینده خواهد آفرید از اینها هستند و این بحمدالله منطبق به برادران و خواهران ایرانی و اسلامی است. پس یکی از بهترین صفتها که خداوند تعریفش میکند، تواضع است. «اذلة على المؤمنین و اعزة على الكافرین». تواضع صفت روحی است، تواضع صفت روانی انسان است و این را شما توجه دارید تا صفات روانی در خارج پیاده نشوند ثمر بخش نیست تا صفتهای روانی بروز و تجلی پیدا نکند نفع نمیبخشد شناور بسیار قوی در مسجد، خانه

شما راه استقامت در دین را نپیمائید و اگر انحرافی بر شما از بعد فکری، از بعد اخلاقی و عملی پیدا شود و شما این برنامه آسمانی را نپذیرید بزودی من عده ای را در ما بعد زمان موجود خواهم کرد خداوند عده ای را خواهد آفرید که آنان دارای این صفات باشند. دو صفت عظیم در اینجا بیان شده است ایشان که بعدا خلق خواهند شد در رابطه با الله شان این صفت را دارند «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» خدا آنها را دوست خواهد داشت و آنان دوستدار الله خواهند بود. چه صفتی بالاتر از این و چه سعادت کامل تر از این که خدا ملتی را دوست داشته باشد و آن ملت الله را دوست داشته باشند و چه ایمانی کامل تر از حب الله و چه مقامی بالاتر از حب الله، چه نعمتی برای انسان پر ارزش تر از حب الله و چه گروهی برتر از محبین الله. اگر شما مؤمنین عصر نزول قرآن با این برنامه ما موافقت نکرده و پیاده نکنید ما عده ای را خواهیم آورد که یک صفتشان اینست «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» صفت دیگرشان در رابطه با خلق است، و این عظیمترین صفت آنها خواهد بود که «اذلة على المؤمنین اعزة على الكافرین» آنها صفت زیبای تواضع دارند و صفت زیبای دیگرها را بنام تکبر دارند. هم تواضعشان جمال و کمال است و هم تکیرشان جمال و کمال است اما چون در برابر مؤمنین متواضعند «اذلة على المؤمنین» در مقابل مؤمنین اذله اند (اذله جمع ذلیل نیست جمع ذلول

و خیابان نمی تواند مهارت خود را در شنا اثبات کند زیرا نه استخری است، نه دریاچه ای است. تا بتواند شناوری خودش را اثبات کند، آنگاه این صفت در او تجلی پیدا میکند که دریایی باشد و بفهمند که این انسان صفتی دارد و آن صفت شناوری اوست بنابراین صفت تواضع و صفت سخاوت، صفت شجاعت و همه اینها از اوصافی است که باید بروز کند، باید ظهور پیدا کند و عمده اثر برای ظهور و بروز است. جمله ای از امام صادق (ع) در اینجا نقل شده که روشنگر این هدف است چگونه میشود تواضع یک انسانی ظهور کند؟ مثال بسیار زیاد است، اما مثالی که امام ششم فرمود:

از این نیرو و صفت باطنی (تواضع) این آثار باید پیدا بشود تا این صفت، صفت کمال باشد چند تا مثال میزند شاید محل ابتلاء همه برادران و خواهران باشد، فرمود: «ان یرض الرجل بالمجلس» آیا میخواهی بفهمی که این صفت زیبا را داری یا نه، آیا آئینه ای از امام صادق به دست بدم که جمال روح را تماشا کنی، حضری اگر در قیافه روح زشتی دیدی زیبایش کنی، حضری اگر در نفس خود نکات قبیحه دیدی پاکیزه و تزکیه اش کنی، زیرا: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ كَسَّاهَا**، نجات، فلاح، رستگاری، تعالی، خلیفه الله شدن، در بهشت عدن رفتن و انسان کامل شدن به این است. **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا** مطالعه کتاب نفس کند و نفس را پاکیزه کند صفتهای زشت را بزداید و میفرماید: اگر دیدی در میان مجلس وارد شدی و جاها برایت فرق میکند و اگر پایین بنشیننی ناراحت میشوی، پس بدان تواضع نیستی، این مرض تکبر در تو هست اگر چنانچه سلام گفتنت با سلام شنیدنت فرق میکند (سلام چیزی نیست یا بگویند سلام علیکم یا بگویی علیکم سلام) این دو تسلیم اگر برای تو فرق میکند پس بدان که مریض و نیازمند معالجه ای، باید بروی و خود را علاج کنی، اگر ببینی حرف تو را که میشوند بگویند به به بسیار خوب مطلب متینی را گفتی، تصدیقت میکنم یا آنکه بگویند آقا اشتباه کردی به این دلیل حرفت باطل است. اگر این دو جواب برابر حرف تو در روح اثر میگذارد و از آن خوست می آید و از دیگری بدت می آید معلوم میشود مرض تکبر داری سلامت و بهبود تواضع را نداری، اگر ببینی تعریف و تمجید میکنند و یا عیب را میگویند با هم فرق دارد اگر تعریف را بکنند خوشحالی، اگر روی پاکتها لقب خاص



بنویسند خوشحالی، معلوم میشود آقای انسان هفتاد ساله هنوز بچه ای، ای انسان پنجاه ساله هنوز کودکی، هنوز کودکی روح بزرگ نشده هنوز تو در مقام تکبری تواضع نشدی، این است که امام جملات را بیان میکند: «من التواضع ان یرضی بالمجلس دون المجلس ان یسلم علی من یلقی ان یترک مری ان یحب ان یحمد ابعالم یفعل» این تواضع است که چنین باشی پس بر انسان واجب است بروج خودش برگردد و تواضع خودش را

*** اخلاق تواضع برنامه**
عام اسلامی است، اگر ملت با هم
متواضع بشوند وحدت و
صمیمیت پیدا می شود، وقتی
که انسانها با هم دوست و
صمیمی شدند جامعه ترقی و
تکامل پیدا می کند.

مطالعه کند و بفهمد کتاب کوچکی است بنام مصباح الشریعه که به امام صادق (ع) منصوب است میفرماید: «التواضع أصل کل خیر» تواضع منشا خیرات است. انسان متواضع به همه خیرات

نازل میشود «يعرفوا اهل السماء متواضع را اهل آسمانها میشناسند و او را به عظمت یاد میکنند. **لَا تَقْبَلُ الْعِبَادَةَ إِلَّا وَبِأَهْلِ التَّوَّاضِعِ** هر عبادتی باید از راه تواضع به مقبولیت برسد و راه قبولی عبادات تواضع است. تواضع است که انسان را در پیشگاه الله خاضع میکند. جمله ای در قرآن برای پیغمبر گرامی نازل شده است که برنامه تواضع را به جهانیان میآموزد و آن جمله اینست: **«وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ** ای قرآن عزیز، ای برنامه آسمانی، ای نور پروردگار، ای زنده کننده دلها چه آثاری باقی میگذاری، و ای اولین موجود عالم خلقت و ای بهترین خلق شده ها از عالم جهان و تکوین **«وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ** در مقابل مومنین تواضع کن. دیده آید وقتی که مرغ مادر در مقابل جوجه ها بایستد آنچنان پرها را پایین میاندازد و اظهار خضوع و صفا میکند، اظهار مهر و مودت دارد. ای پیامبر تو باید با مسلمین آنچنان متواضع باشی که مرغ در مقابل بچه ها رام و خاضع است و محبت و مهر دارد. همه این مراحل را باید تو داشته باشی، خطابات قرآن فقط برای پیغمبر گرامی نیست بلکه برای همه ما است و ما این افتخار را داریم که خدا با همه ما سخن میگوید. اقبال لاهوری میگوید: من وقت خواندن قرآن گویا خدا را حاضرم بینم که با من سخن میگوید. آنها که لذت مناجات الله را چشیده اند آنها که با قرآن سر و کار دارند، آنها تکیه نیمه شب از جابر میخیزند، وضو میگیرند و رو به قبله میشینند و شروع به تلاوت قرآن میکنند و عبادی عبادی خدا به گوششان میخورد **«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَهِنُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ** بندگان من دوستان من، ای نگاهکاران مایوس نباشید، بیایید در خانه من باز استخر رحمت است. با خواندن قرآن میفهمند که پروردگار چه خطایی به ما کرده است فلذا در بحث اصولی، طلاب محترم علوم دینی این بحث را ثابت کرده و آورده اند: **«الخطابات السّفاهیه القرآنیة لا یختصُّ بِأَحَدٍ وَّ هِیَ تَشْمَلُ کُلَّ النَّاسِ»** خطابات قرآنی برای همه مردم است خدا با همه حرف میزند پیغمبر گرامی ذر راس بوده نه اینکه خطاب به او اختصاص داشته باشد. اینک برادر و خواهر قرآن را بردار که خدا با تو سخن بگوید، ای موسی های زمان قرآن را بردارید که خدا با شما صحبت کند، خدا با شما مناجات کند. خدا در این بقیه در صفحه ۶۳

تواضع زیباترین ...

کتاب بر شما تجلی کند همه جای دنیا نور است، و هر مومن موسی است. هر کسی با خدا صحبت کند کلام او کلام الهی است. آی برادران و خواهران افتخار اینکه قرآن را بدست گرفته اید بفهمید افتخار اینکه قرآن را دارید پیاده میکنید متوجه باشید این خطاب را به پیامبر گرامی میفرماید:

«وَاطْفُضْ جَنَاحَكَ» پس خطاب برای همه اقتضای است یعنی آی دبیر و معلم وقتی که به بچه و دانش آموز درس میگویند در مقابل دانش آموزان خضوع کن، در مقابل آنها با رفت و رحمت صحبت کن، آی کسی که درس میخوانی، دانش آموز محترم در مقابل معلم و دبیر خاضع باش و صمیمانه. آی مدرس که در مقابل طلاب محترم درس میگویند خاضع باش، آی طلاب عزیز در مقابل مدرس خاضع باش که عیسی فرمود: «لَا تَكُونُوا أَعْلَمَ الْجِبَارِينَ» این خطاب برای همه است علمای دیکتاتور، دانشمندان دیکتاتور، مدرس دیکتاتور معلم، دبیر و استاد دانشگاه نباید دیکتاتور باشند، در مقابل هم صفا، صمیمیت، خضوع و تواضع داشته باشید، به فرمانده می گوید آی فرمانده لشکر در مقابل سربازان خاضع باش، آی سرباز در مقابل فرماندهات خاضع باش، آن تواضع بر این و این تواضع بر آن. آی تو از پیغمبر گرامی بالاتر و والاتری این خطاب برای تو است آی فرمانده لشکر «وَاطْفُضْ جَنَاحَكَ مِنَ الْمَؤْمِنِينَ» آی مدرس «وَاطْفُضْ جَنَاحَكَ مِنَ الْمَؤْمِنِينَ» آی رئیس و مرنوس اداره که ملت نیازمند خیر و فعالیت تو هستند در مقابل مراجعه کنندگان متواضع باش، آی اداری در مقابل مراجعه کننده تواضع کن آی مراجعه کننده در مقابل اداریانی که فعالیت به نفعت دارند تواضع کن، آی کارفرما در مقابل کارگر تواضع کن آی کارگر در مقابل کارفرما صمیمیت داشته باش، آی قاضی و دادستان که با مردم معامله داری در مقابل مجرمان و متهمان که صحبت میکنی با کمال تواضع و آرامی سخن بگو. دادستان دیکتاتور نباش، قاضی دیکتاتور نباش ولو حکم ضرب مینویسی با کمال اخلاق رفتار نمائید. اخلاق تواضع برنامه عام اسلامی است اگر ملت با هم متواضع بشوند وحدت و صمیمیت پیدا میشود و انسانها که با هم دوست و صمیمی شدند جامعه ترقی

و تکامل پیدا می کند. بنام به برنامه هایت اسلام، همه برنامه هایت نور است، همه صحبتهایت روانبخش و جامعه زنده کن است.

در روایت دارد حضرت عیسی جمله ای را می گوید بسیار ارزنده «وَإِنِّي أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ الزُّرْعَ يَنْهَتْ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبِتُ فِي الصَّغَا» مطلبی را به شما بگویم آی حواریین من از سخنان عیسی چنین استفاده میکنم و نمی گویم عیسی پیامبر حتما مقصودش این بود، میفرماید: تکبر اگر در کسی پیدا شود تکبر تکوینی هم باشد محرومیت تکوینی ایجاد میکند تواضع تکوینی هم باشد خیر تکوینی ایجاد میکند در یک مزرعه وسیع سرسبزی اگر یک جای مخصوص به اندازه نیم متر از جاهای دیگر بالاتر باشد این تکبر تکوینی اوست باران آنجا نمیبارد، دانه ها آنجا خوب رشد نمیکند، بالاخره آن محل برای زارع استفاده نمی بخشد و زارع آن محل را نفرین میکند که نیم متر تکبر برای من نتیجه نبخشید اما جانی که یکخورد پایین تر است نیم متر پایین تر است آب آنجا می ایستد و دانه ها میروید و آنجا زراعتش بهتر و نفش بیشتر میشود و آن زارع دعاگوی آن محل است یعنی تواضع وقتی که تکوینش هم باشد اثر خود را دارد پس چگونه میشود در این قلب انسانی تواضع موثر باشد و چگونه میشود در این قلب انسانی تکبر بی اثر باشد برادر و خواهر صفت عظیم تکبر صفت عظیم تواضع را متوجه باش و «تَخَفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» را عمل کن «تَأْدِيبُ آدَابِ اللَّهِ» را عمل کن که خدا دستور میدهد بندگان من «تَأْدِيبُ آدَابِ اللَّهِ» آداب مرا یاد بگیرید، اخلاق مرا بیاموزید زنی از عایشه پرسید تو که همیشه در حضور پیغمبری و پیوسته او را می بینی خواهشتمند از صفات آن حضرت بر ما بیان کن تا ما صفات او را پیدا کنیم و پیامبرگونه باشیم. گفت «صفاتهم قرآن» پیغمبر صفات مختصی ندارد، قرآن را بخوانید هر چه قرآن بگوید صفات نیک است او (پیغمبر) دارد و هر چه قرآن زشت می شمارد او ندارد، شما بروید قرآن را بخوانید و از روی این کتاب عظیم خود را متخلق کنید که انشاء... پیغمبرگونه و خداگونه اید.

(ادامه دارد)

از شهدا بیاموزیم....

گونه تشکر باید بکنم، یکی از خدولند، بخاطر اینکه در خانواده ای مسلمان دنیا آدمم و دیگری از شما، که مرا اینچنین تربیت نمودید و می دانم که شما هم مثل من شاد هستید، که اگر من بیدار دوست شتافتم، شما هم مسرورید، چون یک قربانی در راه خدا و استقرار دین او داده اید، و از شما می خواهم برای من طلب مغفرت و آمرزش نمایید و شهادت مرا نیز به دوستانم تریک گفته و یا سربندی تمام بر دیگران اذعان دارید، که ما عزیزان را در راه اسلام فدا نموده ایم، تا اسلام با این چند قطره خون بیشتر آبیاری شود و انقلاب اسلامی ایران در تمام بلاد مسلمین پای گیرد و پرچمش بر فراز تمام جهان برافراشته گردد. من افتخار آنرا دارم که در راهی گام برداشتم که راه اعلی بود و رهبری داشتم که در تاریخ جهان پس از ائمه اطهار، بسان او نیامده بود و هم او بود که ما را بر آن داشت که راهمان را تشخیص دهیم و دشمنان را بشناسیم و او است که زمینه ساز حکومتی می باشد بسان حکومت علی (ع). به دوستانم بگویند که من با این عقیده خونم را نثار کردم و شما هم هر چه راسخ تر از پیش برای تداوم خط امام و راه اسلام کوشش کنید تا خود لذت آنرا نصیب شوید.

علی اصغر مشکی ۱۷/۵/۵۹

حکایت خیانت های ...

شرقی، جمهوری اسلامی دارد. و طبعاً با این پیروزی بزرگ که با همت سربازان گمنام و پاسداران جان برکف تحقق یافته است، بهانه های واهی نیز از همه کسانی که تا امروز هرگاه که حرکتی در جهت حمایت از محرومین میشد، آنرا متهم به گرایش به سوی شرق زدگی و کمونیسم و از این قبیل پرچسب های ناچسب میکردند گرفته خواهد شد. و نکته آخر اینکه تا زمانیکه بر میثاق مان با خدایمان و عدم نقض عهد و پیمان الهی پای میفشاریم پیروزی از آن ماست و وعده خداوند هم حق است که: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» و «أَنْ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»